



یونان

مازیار و بانو گلدیس طراحان تخت جمشید

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۶ خرداد ۱۳۹۱ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

مازیار و بانو گلدیس (تمیستوکل پادشاه یونان) در آرزوی کاخی به زیبایی تخت جمشید بود یکی سرداران خویش که زبان ایرانیان را می دانست فرا خواند و به او گفت شنیده ام (سنگ تراشی به نام مازیار و شاگردش بانو گلدیس) پرسپولیس (تخت جمشید) را همچون جواهرات تراش داده اند آنهم به گونه ایی که پیک های سرزمینهای دیگر از این همه زیبایی در شگفت شده اند. به ایران برو و به هر گونه که امکان دارد این دو را به یونان بیاور می خواهم آنها پرسپولیس زیباتری در آتن بسازند. آن فرمانده یونانی با چند سرباز دیگر با تن پوشی ایران



مازیار و بانو گلدیس

(تمیستوکل پادشاه یونان) در آرزوی کاخی به زیبایی تخت جمشید بود یکی سرداران خویش که زبان ایرانیان را می دانست فرا خواند و به او گفت شنیده ام (سنگ تراشی به نام مازیار و شاگردش بانو گلدیس) پرسپولیس (تخت جمشید) را همچون جواهرات تراش داده اند آنهم به گونه ایی که پیک های سرزمینهای دیگر از این همه زیبایی در شگفت شده اند.

به ایران برو و به هر گونه که امکان دارد این دو را به یونان بیاور می خواهم آنها پرسپولیس زیباتری در آتن بسازند . آن فرمانده یونانی با چند سرباز دیگر با تن پوشی ایرانی به سرزمین ما آمده و پس از چندی با دو هنرمند ایرانی بازگشت.

ار شده بودند . تمیستوکل دستور داد دست های آنها را باز کنند و به آنها گفت می خواهم هنرمندان یونانی را آموزش دهید و با کمک آنها کاخی باشکوه تر از پرسپولیس برایم بسازید .

مازیار سالخورده گفت نقشی که بر دیوارهای تخت جمشید می تراشیم همه عشق است ما نمی توانیم خواسته شما را انجام دهیم پادشاه یونان تمیستوکل برافروخت و آن دو را به زندان افکند . مازیار و بانو گلدیس یک سال در بدترین شرایط شکنجه شدند اما برای اجنبی خدمتی نکردند تا اینکه خشایارشا پس از شکست دادن یونان و فتح آتن آن دو هنرمند دلیر و میهن پرست ایران زمین را آزاد و به همراه خود به ایران بازگرداند و به هر دوی آنها هدیه های ارزشمندی داد .

آن هنرمندان نسبت به سرزمین خویش وفادار بودند چرا که پی به قدرت هنر برده بودند به سخن ارد بزرگ اندیشمند برجسته ایران زمین : در بلند هنگام هیچ نیرویی نمی تواند در برابر فرهنگ و هنر ایستادگی کند .

مازیار و بانو گلدیس مایه فر و شکوه سرزمین ما هستند و از این روست که این نخستین نام های تاریخ هنر ایران

بسیار دوست داشتنی هستند .

پادشاه ایران خشایارشا پس از بازگشت از آتن در تخت جمشید نوشت : داریوش را پسران دیگری بودند، ولی چنان که اهورامزدا را کام بود، داریوش، پدر من، پس از خود، مرا بزرگترین کرد. هنگامی که پدر من داریوش از تخت کنار رفت، به خواست اهورامزدا من بر جایگاه پدر شاه شدم. هنگامی که من شاه شدم، بسیار ساختمانهای والا ساختم. آن چه را که به دست پدرم ساخته شده بود، من آن را پاییدم و ساختمان دیگری افزودم. آن چه را که من ساختم و آن چه که پدرم ساخت آن همه را به خواست اهورامزدا ساختیم.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «مازیار و بانو گلدیس طراحان تخت جمشید»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1166/pdf/مازیار-و-بانو-گلدیس.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵